

رابطه مدل شخصیتی هگزاگو با جهت‌گیری دینی، و بهزیستی روان‌شناختی و فاعلی در ایران و لهستان

ناصر آقابابایی*
اکرم ارجی**
آگاتا بلچنیو***

چکیده

پژوهش‌های واژگانی و آماری نشان داده است که یک مدل شش‌عاملی می‌تواند به خوبی ساختار شخصیت را تبیین کند. این شش عامل عبارت‌اند از صداقت - فروتنی، تهییج‌پذیری، برون‌گرایی، توافق، وظیفه‌شناسی، و تجربه‌پذیری. هدف این پژوهش بررسی رابطه مدل شخصیتی هگزاگو با بهزیستی روان‌شناختی و فاعلی، و جهت‌گیری دینی بود. ۲۳۵ دانشجوی ایرانی و ۲۲۶ دانشجوی لهستانی به پرسشنامه شخصیت هگزاگو (۶۰ گویه‌ای) (اشتن و لی، ۲۰۰۹)، مقیاس تجدید نظر شده جهت‌گیری دینی (هیل، ۱۹۹۹)، مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی ریف (ریف، ۱۹۸۹)، مقیاس شادی فاعلی (لیوبومرסקی و لپر، ۱۹۹۹)، و مقیاس رضایت از زندگی (دینر، امونز، لارسن و گریفن، ۱۹۸۵) پاسخ دادند. نتایج نشان داد که در هر دو بافت ایرانی و لهستانی، صداقت - فروتنی نیرومندترین عامل شخصیتی همبسته با دینداری درونی است و همچنین، در هر دو بافت، برون‌گرایی نیرومندترین پیش‌بینی‌کننده بهزیستی فاعلی و روان‌شناختی بود. پس از کنترل عامل‌های هگزاگو، دینداری توانست مقادیری اندکی از بهزیستی را پیش‌بینی کند.

واژه‌های کلیدی: شخصیت، مدل شخصیتی، هگزاگو، بهزیستی روان‌شناختی، جهت‌گیری دینی

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)
** دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی
*** استادیار دانشگاه کاتولیک جان پل دوم لوبلین
تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۲۲ تاریخ تأیید: ۹۳/۵/۴

مقدمه

تعداد رگه‌های شخصیت ورده‌بندی آنها از مسائل اصلی در روان‌شناسی شخصیت است. رویکرد واژگانی بر این فرض استوار است که رگه‌های مهم در زبان طبیعی انسان‌ها وجود دارند. مردم به رگه‌های مهم توجه دارند و برای آنها واژه‌هایی را وضع می‌کنند؛ زیرا با استفاده از آنها می‌توانند دربارهٔ افراد تبادل اطلاعات کنند. در این رویکرد دو ملاک برای شناسایی رگه‌های مهم وجود دارد: ۱. فراوانی مترادف‌های یک رگه در یک زبان؛ ۲. عمومیت وجود یک رگه در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف (لارسن و باس، ۲۰۰۸). آلپورت و ادبرت (۱۹۳۶) نخستین گام را در استخراج رگه‌ها از واژه‌نامه و دسته‌بندی آنها انجام دادند. آن دو با مطالعه یک واژه‌نامه انگلیسی چهارصدواژه‌ای، ۴۵۰۰ واژه توصیف‌کننده «رگه‌های پایدار» را استخراج کردند. کتل (۱۹۴۳؛ نقل از: جان، ناومن و سوتو، ۲۰۰۸) ۴۵۰۰ واژه یادشده را در ۳۵ طبقه قرار داد. فیسکه (۱۹۴۹؛ نقل از: گلدبرگ، ۱۹۹۵) از ۳۵ طبقه یادشده، ۲۲ طبقه را گرفت و برای نخستین بار در یک پژوهش محدود آنها را در پنج عامل جای داد. توپس و کریستال (۱۹۶۱) در چندین پژوهش توانستند ۲۲ طبقه را در پنج عامل قرار دهند. نورمن (۱۹۶۳؛ نقل از: گلدبرگ، ۱۹۹۵) پنج عامل را تکرار کرد. پس از آن، به‌ویژه در دهه هشتاد و نود، ساختار پنج‌عاملی توسط پژوهشگران متعدد تکرار شد (برای مثال: باتوین و باس، ۱۹۸۹؛ بورکناو، ۱۹۸۸؛ پیبادی و گلدبرگ، ۱۹۸۹؛ سوسیه و گلدبرگ، ۱۹۹۶؛ کاستا، مگرا، و دای، ۱۹۹۱؛ گلدبرگ، ۱۹۹۲).

تا آغاز قرن حاضر، مدل پنج‌عاملی پذیرفته‌شده‌ترین و پرفرودارترین طبقه‌بندی شخصیت شده بود، اما در مورد پنج عامل دست‌کم دو مسئله مهم وجود داشت. نخست آنکه، ماهیت عامل پنجم (که از آن با نام تجربه‌پذیری^۱ یاد می‌کنیم) در زبان‌های مختلف متفاوت به دست آمده بود، حتی دربارهٔ نام عامل پنجم اتفاق نظر نیست. مسئله دوم و مهم‌تر جامعیت پنج عامل است؛ طبق مدل پنج‌عاملی، رگه‌های بزرگ شخصیت عبارت‌اند از: برون‌گرایی^۲، روان‌رنجورخویی^۳، وظیفه‌شناسی^۴، توافق^۵ و تجربه‌پذیری. اما این پنج عامل، به‌هیچ‌روی، همه رگه‌های مهم را پوشش نمی‌دهند و فراتر از این پنج عامل، رگه‌های مهم دیگری وجود دارند (پوننن و جکسن، ۲۰۰۰؛ لارسن و باس، ۲۰۰۸؛ وسلکا، شرمرو و ورنن، ۲۰۱۲).

1. trait

2. openness to experience

3. extraversion

4. neuroticism

5. conscientiousness

6. agreeableness

طی دو دهه گذشته، پژوهش‌های واژگانی در زبان‌هایی غیر از زبان انگلیسی انجام شد. یافته‌های این پژوهش‌ها، تفاوت‌هایی را در بین زبان‌ها آشکار کرد. یکی از این تفاوت‌ها به پدیدایی عامل ششمی انجامید که در پژوهش‌های اولیه در زبان انگلیسی ظهور نداشت. این عامل با نام صداقت - فروتنی^۱ که با اصطلاح‌هایی چون صادق، منصف، فروتن و بی‌ادعا مشخص شده، در پژوهش‌های واژگانی در زبان لهستانی، انگلیسی و دست‌کم ده زبان دیگر مشاهده شده است. پس، نخستین تغییر در مدل پنج‌عاملی، افزایش عامل‌ها به عدد شش بود (اشتن و لی، ۲۰۰۱؛ لی و اشتن، ۲۰۰۸). تفاوت دیگر، مربوط به محتوای عامل‌های توافق و پایداری هیجانی^۲ (معکوس روان‌رنجورخویی) است. در برخی پژوهش‌های انگلیسی، واژه‌های مربوط به حساسیت عمدتاً در عامل توافق بار^۳ داشتند و واژه‌های مربوط به صبر عمدتاً در عامل پایداری هیجانی بار داشتند؛ اما در چندین زبان دیگر، واژه‌های مربوط به صبر عمدتاً در عامل توافق بار داشتند و واژه‌های مربوط به حساسیت عمدتاً در عامل پایداری هیجانی بار داشتند. عامل اخیر، شامل حساسیت بود نه خشم^۴ و از این رو، فاقد دلالت آسیب‌شناختی و نامطلوب برچسب روان‌رنجورخویی بود و به همین علت تهییج‌پذیری^۵ نامیده شد؛ همچنین، رگه خشم در عامل توافق جای گرفت و برخلاف مدل پنج‌عاملی، توافق در برابر عدم توافق^۶ نبود؛ بلکه توافق در برابر خشم قرار گرفت (اشتن و لی، ۲۰۰۷). بر پایه این یافته‌ها، مدل هگزاکو^۷ از ساختار شخصیت مفهوم‌بندی شد که شامل این عامل‌هاست: صداقت - فروتنی، تهییج‌پذیری، برون‌گرایی، توافق، وظیفه‌شناسی و تجربه‌پذیری. شایان ذکر است که با وجود محتوا و نام‌های مشترک هگزاکو با پنج‌عاملی، تفاوت‌هایی میان این مدل وجود دارد؛ به‌طور خاص، محتوای توافق و پایداری هیجانی در پنج‌عاملی، چرخش مجدد^۸ کرده است و در عامل‌های صداقت - فروتنی، توافق و تهییج‌پذیری پراکنده شده است. عامل توافق هگزاکو تا حدودی با محتوای تحریک‌پذیری و تندمزاجی مشخص می‌شود که معمولاً در عامل پایداری هیجانی پنج‌عاملی جای دارد (اشتن و لی، ۲۰۰۷؛ لی و اشتن، ۲۰۰۴؛ لی، اوگانفوارا و اشتن، ۲۰۰۵). بر این اساس، انتظار می‌رود نتایج حاصل از بررسی شخصیت در چارچوب مدل پنج‌عاملی و مدل هگزاکو تا اندازه‌ای شبیه به هم باشند.

1. honesty-humility
3. loading
5. emotionality
7. Hexaco

2. emotional stability
4. anger
6. disagreeableness
8. re-rotation

مقایسه مدل هگزاکو با مدل پنج عامل در رابطه با دامنه‌ای از متغیرهای روان‌شناختی و اجتماعی؛ مانند اغواگری، درستکاری،^۱ زنانگی،^۲ خطرجویی، خودپسندی (لی و دیگران، ۲۰۰۵)، بزهکاری در محل کار (لی، اشتن و دی وریس، ۲۰۰۵)، گرایش به مادیات، زیرکی اجتماعی،^۳ بزهکاری، تصمیم‌های تجاری غیر اخلاقی (اشتن و لی، ۲۰۰۸)، جهت‌گیری ایدئولوژیک (چیرالو و لئون، ۲۰۱۰)، دینداری (آقابابایی، ۲۰۱۲)، و بهزیستی روان‌شناختی^۴ (آقابابایی و ارجی، ۲۰۱۴)؛ برتری مدل هگزاکو را در پیش‌بینی این متغیرها نشان داده است. اگرچه رابطه پنج عامل سنتی شخصیت با دامنه گسترده‌ای از متغیرها مطالعه شده است، اما استفاده از مدل هگزاکو در مطالعه متغیرهای روان‌شناختی در آغاز راه است و نیازمند مطالعات بیشتری است. در پژوهش حاضر، به بررسی رابطه مدل شخصیتی هگزاکو با دو متغیر از این متغیرها؛ یعنی بهزیستی و جهت‌گیری دینی می‌پردازیم.

چیستی بهزیستی و راه‌های رسیدن به «زندگی خوب»،^۵ قرن‌هاست که ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده و اخیراً مرکز توجه روان‌شناسی مثبت‌نگر^۶ شده است. از دیرباز، بهزیستی‌های لذت‌گرا^۷ و فضیلت‌گرا^۸ از هم متمایز شده‌اند. از آنجا که تأکید بهزیستی لذت‌گرا بر رضایت از زندگی، عاطفه مثبت زیاد و عاطفه منفی کم است، بهزیستی فضیلت‌گرا بر معنا و هدف زندگی تأکید می‌کند. بهزیستی فضیلت‌گرا، شادکامی حقیقی و زندگی خوب در ابراز فضیلت و انجام آنچه شایسته انجام است، یافت می‌شود؛ در نتیجه انسان‌ها باید شادکامی را از طریق دوران‌دیشی و خویش‌داری بجویند و مطالبه کنند (هفرون و بونیول، ۲۰۱۱). مقیاس‌های بهزیستی فاعلی^۹ بر مفهوم‌بندی فضیلت‌گرایانه از بهزیستی استوارند. مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی نیز نمونه‌ای از مفهوم‌بندی فضیلت‌گرایانه از بهزیستی است (آقابابایی و ارجی، ۲۰۱۴). پرداختن به پیامدها و پیشایندهای بهزیستی یکی از کانون‌های توجه روان‌شناسان است. شخصیت، از نیرومندترین و پایدارترین متغیرها در تعیین بهزیستی است؛ مثلاً برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی مهم‌ترین نقش را، به ترتیب، در تعیین عاطفه مثبت و منفی دارند (استیل، اشمیت و شالتز، ۲۰۰۸) و از سوی دیگر، اکنون شواهد روزافزونی از نقش مثبت دین و معنویت در شادی و کارکردهای مثبت روانی در

1. integrity

3. social adroitness

5. the good life

7. hedonic well-being

9. subjective well-being

2. femininity

4. psychological well-being

6. positive psychology

8. eudaimonic well-being

دست است. دین از آغاز پیدایش علم روان‌شناسی با آن قرین بوده است. این تاریخچه با مناقشه‌ای پیرامون نقش دین در بهزیستی فرد و جامعه همراه است. محور نزاع یادشده که تا به امروز ادامه دارد، این مسئله می‌باشد که آیا دین در سلامت روان‌شناختی سهیم است یا مانع آن می‌شود. نظریه جهت‌گیری دینی^۱ آلپورت مسیر مناسبی برای حل مناقشه یاد شده است؛ به گفته آلپورت، انگیزه‌های متفاوت برای دینداری نقش متفاوتی در سلامت روانی دارند (آلپورت و راس، ۱۹۶۷).

فارغ از تنازعات نظری، پژوهش‌های تجربی رابطه بهزیستی را با دامنه گسترده‌ای از متغیرهای دینی بررسی کرده است. بیشتر پژوهش‌ها، رابطه دینداری با رضایت از زندگی، شادی، حرمت خود، هدف در زندگی و سایر شاخص‌های بهزیستی روان‌شناختی را مثبت گزارش کرده‌اند؛ گرچه، برخی پژوهش‌ها نیز رابطه معناداری نیافتند (مانند: اسنوپ، ۲۰۰۸؛ فرانسیس، الکن و رابینز، ۲۰۱۲؛ لويس، ۲۰۰۲؛ لويس، مالتبی و برکینشا، ۲۰۰۰؛ هولدر، کولمن و والیس، ۲۰۱۰) یا حتی رابطه منفی میان دینداری و بهزیستی به دست آورده‌اند (مانند: براون و تیرنی، ۲۰۰۹؛ سیلیک و کتکارت، ۲۰۱۴؛ هیلز و آرگایل، ۱۹۹۸). با توجه به اهمیت شخصیت در شادی و بهزیستی، لازم است شخصیت، بهزیستی و دینداری همزمان مطالعه شوند تا روشن شود که آیا رابطه دین با بهزیستی یگانه است یا متأثر از شخصیت؟ فرانسیس و لستر (۱۹۹۷) در دانشجویان آمریکایی و آقابابایی (۲۰۱۴) در دانشجویان ایرانی نشان دادند که پس از کنترل عامل‌های شخصیت، دینداری توانست بهزیستی فاعلی را پیش‌بینی کند، اما پژوهش‌های دیگر (مانند: بری، ۲۰۱۲؛ رابینز، فرانسیس و ادواردز، ۲۰۰۸؛ فرانسیس، زیبرتز و لويس، ۲۰۰۳) این یافته را تکرار نکردند. به گفته پژوهشگران، چنین نتایج ناپایداری در رابطه بهزیستی و سلامت روانی با دینداری تابعی از شیوه عملیاتی کردن دینداری و سلامت روانی است (دزوتر، سوننس و هاتزبات، ۲۰۰۶؛ سلسمن، براون، برچینگ و کارلسن، ۲۰۰۵). نگرش و جهت‌گیری دینی (در مقایسه با اشتغال دینی^۲) نقش مهم‌تری در سلامت و بهزیستی دارد. نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های دینی، در مقایسه با جنبه‌های نسبتاً سطحی اشتغال دینی، نشان‌دهنده ویژگی‌های ریشه‌داری هستند که از عامل‌های بافتاری کمتر اثر می‌پذیرند و شاخص بهتری برای کارکرد عمومی فرد هستند (دزوتر و دیگران، ۲۰۰۶). طبق مفهوم‌سازی آلپورت، جهت‌گیری دینی درونی^۳ نوعی از دینداری است که در آن، خود دین هدف است. فرد در این

1. religious orientation

2. religious involvement

3. intrinsic

نوع دینداری، ارزش‌ها و آموزه‌های دینی را درونی می‌کند. جهت‌گیری دینی برونی^۱ نوعی از دینداری است که در آن، دین ابزاری است برای رسیدن به هدف‌های دیگر؛ مانند، موقعیت اجتماعی (آلپورت و راس، ۱۹۶۷). شایان ذکر است که در چارچوب مدل پنج‌عاملی، توافق و وظیفه‌شناسی مهم‌ترین همبسته‌های دینداری عمومی^۲ و درونی‌اند (آقابابایی، ۲۰۱۳؛ ساراگلو، ۲۰۱۰). در چارچوب مدل هگزاکو نیز صداقت - فروتنی از نیرومندترین همبسته‌های دینداری عمومی و درونی است (آقابابایی، ۲۰۱۲).

در پژوهش پیش رو به بررسی رابطه بهزیستی فاعلی و روان‌شناختی، و جهت‌گیری دینی با مدل شخصیتی هگزاگو در دو بافت مسلمان ایران و مسیحی لهستان خواهیم پرداخت. پیش‌بینی می‌شود که در هر دو بافت، برون‌گرایی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده بهزیستی باشد؛ همچنین، پیش‌بینی می‌شود که عامل صداقت - فروتنی همراه دو عامل توافق و وظیفه‌شناسی با دینداری رابطه مثبت داشته باشد. با توجه به همپوشانی جهت‌گیری دینی برونی و برونی (آلپورت و راس، ۱۹۶۷)، سهم خالص هر یک از انواع دینداری (پس از کنترل دیگرانواع دینداری) در رابطه با متغیرهای پژوهش؛ به‌ویژه شاخص‌های بهزیستی بررسی خواهد شد. سرانجام به این پرسش پرداخته خواهد شد که آیا دینداری می‌تواند فراتر از شخصیت، شاخص‌های بهزیستی را پیش‌بینی کند یا خیر.

روش

نمونه آماری این پژوهش، مشتمل بر ۲۳۵ دانشجوی ایرانی (۱۶۱ زن و ۷۴ مرد) از دانشگاه همدان و ۲۲۶ دانشجوی لهستانی (۲۰۶ زن، ۱۹ مرد، و یک نفر بدون ذکر جنسیت) از دانشگاه کاتولیک جان پل دوم لوبلین در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ (۲۰۱۳-۲۰۱۴) بود. همه شرکت‌کنندگان ایرانی مسلمان بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ایرانی ۲۱/۸۴ سال با دامنه ۱۸ تا ۴۹ سال بود. دو نفر از شرکت‌کنندگان لهستانی بودایی، دو نفرشان مسیحی ارتودوکس و بقیه کاتولیک بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان لهستانی ۱۹/۷۱ سال با دامنه ۱۸ تا ۲۴ سال بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از نسخه‌های فارسی و لهستانی ابزارهای زیر بهره گرفته شد:

پرسشنامه شخصیت هگزاکو^۳ (اشتن و لی، ۲۰۰۹): برای سنجش عامل‌های شش‌گانه شخصیت از نسخه ۶۰ گویه‌ای پرسشنامه خودگزارشی هگزاکو استفاده شد. پایایی درونی

1. extrinsic

2. general

3. Hexaco Personality Inventory

عامل‌های صداقت - فروتنی، تهییج‌پذیری، برون‌گرایی، توافق، وظیفه‌شناسی و تجربه‌پذیری با روش آلفای کرونباخ در نمونه‌ای از دانشجویان به ترتیب برابر با ۰/۷۸، ۰/۷۸، ۰/۷۹، ۰/۸۰، ۰/۷۷، ۰/۷۷ و ۰/۷۷ گزارش شده است. همبستگی نمره‌های خودگزارشی و نمره‌های مشاهده‌گر از ۰/۴۷ تا ۰/۶۰ و همبستگی پرسشنامه پنج‌عاملی نئو با پنج عامل متناظر آن در نسخه ۶۰ گویه‌ای هگزاکو از ۰/۵۳ تا ۰/۸۰ بود (اشتن و لی، ۲۰۰۹). در ایران، آقابابایی (۱۳۹۱) ساختار شش‌عاملی هگزاکو (۶۰ گویه‌ای) را تأیید کرده است. پایایی درونی عامل‌های این پرسشنامه از ۰/۶۰ تا ۰/۷۵ به دست آمده است. روایی همگرایی نسخه فارسی هگزاکو (۶۰ گویه‌ای) هم با پنج عامل بزرگ شخصیت تأیید شده است (آقابابایی، ۲۰۱۲). شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند.

مقیاس تجدید نظر شده جهت‌گیری دینی^۱ (هیل، ۱۹۹۹): این پرسشنامه ۱۴ گویه‌ای که برگرفته از مقیاس آلپورت و راس (۱۹۶۷) است، دینداری را در چارچوب سه عامل جهت‌گیری دینی درونی، برونی فردی،^۲ و برونی اجتماعی^۳ می‌سنجد. پایایی این پرسشنامه مناسب و قابل مقایسه با مقیاس اصلی است. این نسخه کوتاه، قابلیت کاربرد در افراد با سطوح مختلف تحصیلی را دارد. نسخه فارسی این مقیاس را قربانی، واتسن، قراملکی، موریس و هود (۲۰۰۲) طی روند استاندارد ترجمه و ترجمه برگردان تهیه کرده‌اند. پایایی درونی خرده‌مقیاس‌های آن با روش آلفای کرونباخ در ایالات متحده از ۰/۵۹ تا ۰/۸۴ و در ایران از ۰/۶۵ تا ۰/۷۴ به دست آمد. همبستگی این مقیاس با مقیاس جهت‌گیری دینی مسلمانان - مسیحیان در ایالات متحده و ایران حاکی از روایی همگرایی مقیاس است؛ همچنین، آلفای کرونباخ نسخه لهستانی خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه از ۰/۶۶ تا ۰/۸۸ به دست آمده است (آقابابایی و بلچنیو، ۲۰۱۴). شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند.

مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی ریف^۴ (ریف، ۱۹۸۹): ریف (۱۹۸۹) این مقیاس را طراحی کرده است. فرم اصلی آن ۱۲۰ گویه دارد. در بررسی‌های بعدی فرم‌های کوتاه‌تر ۱۸، ۴۲، ۵۴ و ۸۴ گویه‌ای نیز پیشنهاد شدند. در این پژوهش فرم ۴۲ گویه‌ای به کار رفت. مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی دارای شش خرده‌مقیاس پذیرش خود، رابطه مثبت با دیگران، استقلال عمل، زندگی هدفمند، رشد شخصی و تسلط بر محیط است. بررسی بیانی، کوچکی و بیانی (۱۳۸۷) حاکی از روایی و پایایی نسخه فارسی این پرسشنامه است. در

1. Religious Orientation Scale-Revised

2. extrinsic-personal

3. extrinsic-social

4. Ryff's Scales of Psychological Well-Being

پژوهش آنها آلفای کرونباخ مقیاس برابر با ۰/۸۲ و آلفای زیرمقیاس‌های آن از ۰/۷۰ تا ۰/۷۸ گزارش شده است.

مقیاس شادی فاعلی^۱ (لیوبومرسکی و لپر، ۱۹۹۹): این مقیاس دارای چهار گویه است. دو گویه نخست آن از پاسخ‌دهنده می‌خواهد که شادی خود را به ترتیب، به صورت مستقل و در مقایسه با همگنان خود درجه‌بندی کند. گویه‌های سه و چهار به ترتیب افراد شاد و غمگین را توصیف می‌کند و از پاسخ‌دهنده می‌پرسد که این اوصاف چقدر در مورد او درست‌اند. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس از ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ گزارش شده است (لیوبومرسکی و لپر، ۱۹۹۹؛ هولدر، کولمن و والیس، ۲۰۱۰). ضریب آلفای کرونباخ نسخه فارسی مقیاس برابر با ۰/۷۶ و همبستگی آن با مقیاس رضایت از زندگی از ۰/۴۳ تا ۰/۴۷ گزارش شده است (آقابابایی، فراهانی، رحیمی‌نژاد و فاضلی مهرآبادی، ۱۳۸۸). شرکت‌کنندگان به یک مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند.

مقیاس رضایت از زندگی^۲ (دینز، امونز، لارسن و گریفن، ۱۹۸۵): این مقیاس که دارای پنج گویه و تک‌عاملی است، برای سنجش بُعد شناختی بهزیستی فاعلی ساخته شده است و از پرکاربردترین ابزارها در زمینه رضایت از زندگی است. پایایی بازآزمایی این مقیاس با فاصله دو ماه برابر با ۰/۸۲ و پایایی درونی آن با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ به دست آمده است (دینز و دیگران، ۱۹۸۵). بیانی، کوچکی و گودرزی (۱۳۸۶) نسخه فارسی این مقیاس را اعتباریابی کردند. این پژوهشگران پایایی مقیاس را با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی برابر با ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. برای سنجش بهزیستی فاعلی، آزمون‌هایی چون مقیاس شادی فاعلی و مقیاس رضایت از زندگی، از مناسب‌ترین مقیاس‌ها هستند؛ چرا که کوتاه، مبتنی بر نظریه و فارغ از فشار زمانی‌اند و ویژگی‌های روان‌سنجی خوبی دارند (کشدان، ۲۰۰۴). شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند.

یافته‌ها

جدول شماره ۱، دو گروه را در متغیرهای پژوهش مقایسه می‌کند. گروه ایرانی در برون‌گرایی، توافق، تجربه‌پذیری، دینداری، تسلط بر محیط و پذیرش خود، نمره‌های بالاتری گزارش کرد. گروه لهستانی در تهییج‌پذیری، رضایت از زندگی، استقلال عمل و رشد شخصی، نمره‌های بالاتری گزارش کرد. در سایر متغیرها تفاوت معناداری میان دو گروه مشاهده نشد.

1. Subjective Happiness Scale

2. Satisfaction with Life Scale

جدول ۱: مقایسه دو گروه در متغیرهای پژوهش

t	میانگین (انحراف معیار)		متغیرها
	لهستان	ایران	
۰/۱۶	(۰/۶۲) ۳/۴۵	(۰/۵۷) ۳/۴۴	صداقت - فروتنی
۲/۵۱*	(۰/۶۰) ۳/۴۳	(۰/۵۶) ۳/۲۹	تهییج‌پذیری
۳/۷۸**	(۰/۵۵) ۳/۲۷	(۰/۶۲) ۳/۴۸	برون‌گرایی
۵/۱۰**	(۰/۶۰) ۳/۱۰	(۰/۵۹) ۳/۳۸	توافق
۰/۶۳	(۰/۶۷) ۳/۳۰	(۰/۵۶) ۳/۳۳	وظیفه‌شناسی
۱/۶۴	(۰/۶۲) ۳/۳۶	(۰/۶۳) ۳/۲۶	تجربه‌پذیری
۳/۵۷**	(۰/۹۲) ۳/۳۵	(۰/۷۵) ۳/۶۳	دینداری درونی
۹/۱۶**	(۰/۹۷) ۳/۰۸	(۰/۹۸) ۳/۹۲	دینداری برونی فردی
۵/۶۶**	(۰/۷۶) ۱/۸۳	(۱/۰۰) ۲/۳۰	دینداری برونی اجتماعی
۶/۶۸**	(۰/۶۸) ۳/۵۰	(۰/۸۴) ۳/۰۱	رضایت از زندگی
۱/۲۲	(۱/۱۰) ۴/۶۳	(۱/۲۵) ۴/۷۶	شادی
۳/۲۵**	(۰/۶۹) ۳/۵۴	(۰/۵۹) ۳/۳۴	استقلال عمل
۶/۵۲**	(۰/۶۹) ۳/۳۲	(۰/۶۳) ۳/۷۳	تسلط بر محیط
۳/۱۰**	(۰/۶۰) ۳/۹۲	(۰/۶۲) ۳/۷۴	رشد شخصی
۱/۰۹	(۰/۷۳) ۳/۹۵	(۰/۷۳) ۳/۸۷	رابطه مثبت با دیگران
۰/۸۹	(۰/۶۰) ۳/۶۹	(۰/۶۲) ۳/۶۴	زندگی هدفمند
۲/۰۹*	(۰/۷۳) ۳/۳۳	(۰/۷۵) ۳/۴۸	پذیرش خود

* p < ۰/۰۵ ** p < ۰/۰۱

جدول شماره ۲، ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. در هر دو گروه، عامل صداقت - فروتنی با دینداری درونی، بهزیستی فاعلی و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت داشت. این عامل تنها در گروه ایرانی با دینداری برونی فردی مرتبط بود. عامل تهییج‌پذیری در هر دو گروه با بهزیستی فاعلی و روان‌شناختی رابطه منفی و تنها در گروه لهستانی رابطه مثبتی با دینداری برونی فردی داشت. برون‌گرایی در هر دو گروه رابطه نیرومندی با شاخص‌های بهزیستی داشت. توافق در هر دو گروه رابطه مثبت ضعیف تا متوسطی با دینداری و بهزیستی داشت. وظیفه‌شناسی در هر دو گروه با نمره بالا در دینداری درونی، دینداری برونی فردی و بهزیستی مرتبط بود. تجربه‌پذیری در هر دو گروه با دینداری درونی و برخی از شاخص‌های بهزیستی همبسته بود.

جدول ۲: همبستگی‌های متقابل متغیرهای پژوهش برای شرکت کنندگان ایرانی (پایین) و لهستانی (بالا)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱. صداقت - فروتنی	۱	۰/۰۱	۰/۱۰	۰/۳۲**	۰/۲۵**	۰/۱۵*	۰/۳۸**	۰/۰۷	-۰/۱۱	۰/۱۶*	۰/۲۰**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۳۳**	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۱۸**
۲. تمهیح‌پذیری	-۰/۱۵*	۱	-۰/۱۵*	-۰/۰۵	۰/۰۶	-۰/۱۳*	۰/۰۴	۰/۱۸**	-۰/۰۸	-۰/۰۸	-۰/۱۸**	-۰/۲۷**	-۰/۱۸**	-۰/۰۱	۰/۱۶*	-۰/۰۱	-۰/۱۹**
۳. برون‌گرایی	۰/۱۳*	-۰/۱۷**	۱	۰/۱۵*	۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۱۴*	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۴۹**	۰/۴۵**	۰/۴۱**	۰/۶۰**	۰/۴۷**	۰/۵۰**	۰/۴۱**	۰/۶۱**
۴. توافق	۰/۲۲**	-۰/۱۴*	۰/۲۰**	۱	۰/۲۱**	۰/۱۰	۰/۱۸**	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۲۰**	۰/۲۹**	-۰/۰۹	۰/۲۶**	۰/۱۵*	۰/۳۲**	۰/۱۸**	۰/۲۲**
۵. وظیفه‌شناسی	۰/۲۶**	-۰/۰۷	۰/۱۹**	۰/۱۵*	۱	۰/۰۵	۰/۱۸**	۰/۱۹**	-۰/۰۷	۰/۲۲**	۰/۱۵*	۰/۱۳*	۰/۳۱**	۰/۳۰**	۰/۲۱**	۰/۴۲**	۰/۱۳*
۶. تجربه‌پذیری	۰/۳۰**	-۰/۰۴	۰/۱۹**	۰/۱۰	۰/۲۸**	۱	۰/۱۹**	۰/۰۱	-۰/۱۱	۰/۲۰**	۰/۱۵*	۰/۱۵*	۰/۰۳	۰/۲۷**	۰/۰۷	۰/۱۴*	۰/۱۵*
۷. دینداری درونی	۰/۳۵**	۰/۰۳	۰/۱۳*	۰/۱۱	۰/۳۳**	۱	۰/۲۰**	۰/۴۶**	۰/۱۰	۰/۲۰**	۰/۲۳**	۰/۱۲	۰/۲۲**	۰/۳۲**	۰/۲۳**	۰/۲۵**	۰/۲۵**
۸. دینداری برونی فردی	۰/۲۹**	۰/۰۷	۰/۱۲	۰/۱۳*	۰/۲۵**	۰/۰۷	۰/۶۷**	۱	۰/۳۳**	۰/۱۸**	۰/۰۹	-۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۱۳*	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۰۶
۹. دینداری برونی اجتماعی	۰/۰۴	-۰/۰۳	-۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۳۷**	۰/۳۱**	۱	۰/۰۲	-۰/۰۵	-۰/۰۳	-۰/۱۵*	-۰/۰۲	-۰/۱۹**	-۰/۱۶*	-۰/۱۵*	-۰/۰۶
۱۰. رضایت از زندگی	۰/۱۵*	-۰/۰۸	۰/۳۷**	۰/۱۲	۰/۲۰**	۱	۰/۶۷**	۰/۳۳**	۰/۰۲	۱	۰/۶۷**	۰/۳۲**	۰/۵۰**	۰/۴۵**	۰/۴۲**	۰/۳۳**	۰/۶۸**
۱۱. شادی	۰/۰۵	-۰/۱۷**	۰/۵۷**	۰/۱۸**	-۰/۰۴	۰/۲۸**	۰/۲۸**	۱	۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۲۸**	۰/۲۶**	۰/۶۲**	۰/۴۸**	۰/۴۸**	۰/۳۵**	۰/۷۱**
۱۲. استقلال عمل	۰/۱۹*	-۰/۳۳**	۰/۳۸**	۰/۱۱	۰/۲۴**	۰/۱۰	۰/۳۰**	۰/۳۰**	۰/۰۳	۰/۱۰	۰/۱۵*	۱	۰/۳۵**	۰/۴۱**	۰/۲۲**	۰/۳۰**	۰/۳۷**
۱۳. تسلط بر محیط	۰/۲۱**	-۰/۱۷**	۰/۵۰**	۰/۲۷**	۰/۲۹**	۰/۲۰**	۰/۱۷**	۰/۰۸	-۰/۰۶	۰/۴۱**	۰/۴۰**	۰/۲۹**	۱	۰/۴۵**	۰/۵۰**	۰/۴۵**	۰/۵۹**
۱۴. رشد شخصی	۰/۲۷**	-۰/۱۱	۰/۳۸**	۰/۱۹**	۰/۳۰**	۰/۲۴**	۰/۲۱**	۰/۱۳*	-۰/۱۰	۰/۴۰**	۰/۲۸**	۰/۳۱**	۰/۴۸**	۱	۰/۴۴**	۰/۵۵**	۰/۴۹**
۱۵. رابطه مثبت با دیگران	۰/۱۷**	-۰/۰۷	۰/۵۴**	۰/۳۳**	۰/۱۰	۰/۱۹**	۰/۱۸**	۰/۱۷**	-۰/۰۵	۰/۲۰**	۰/۴۵**	۰/۱۴**	۰/۴۸**	۰/۳۸**	۱	۰/۴۲**	۰/۵۰**
۱۶. زندگی هدفمند	۰/۲۶**	۰/۰۱	۰/۳۳**	۰/۲۴**	۰/۴۶**	۰/۲۰**	۰/۳۱**	۰/۲۸**	-۰/۰۶	۰/۲۶**	۰/۱۳**	۰/۳۰**	۰/۳۷**	۰/۳۷**	۰/۲۵**	۱	۰/۴۱**
۱۷. پذیرش خود	۰/۲۲**	-۰/۲۶**	۰/۶۲**	۰/۳۱**	۰/۲۵**	۰/۱۴**	۰/۱۹**	۰/۱۱	-۰/۰۷	۰/۵۶**	۰/۴۸**	۰/۳۱**	۰/۵۸**	۰/۵۴**	۰/۴۲**	۰/۴۷**	۱

* p < ۰/۰۵ ** p < ۰/۰۱

با توجه به همبستگی جهت‌گیری دینی درونی و برونی با یکدیگر، برای به دست آوردن اندازه رابطه هر یک از انواع دینداری با سایر متغیرها باید سهم دیگر انواع دینداری را کنترل کرد؛ از این رو، با استفاده از روش همبستگی سهمی^۱، رابطه جهت‌گیری‌های دینی با بهزیستی و شخصیت بررسی شد. جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که رابطه دینداری درونی (پس از کنترل دینداری برونی) با عامل‌های شخصیت و شاخص‌های بهزیستی همچنان مثبت است؛ در حالی که رابطه دینداری برونی فردی با آن متغیرها (به جز تهییج‌پذیری، استقلال عمل و وظیفه‌شناسی) معنادار نیست، اما رابطه دینداری برونی اجتماعی با شاخص‌های بهزیستی و برخی از عامل‌های شخصیت منفی است.

همان‌گونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، تحلیل رگرسیون نشان داد که برون‌گرایی نیرومندترین پیش‌بینی‌کننده شادی، رضایت از زندگی و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی است. پس از کنترل عامل‌های شخصیت، دینداری تنها توانست اندکی بر قدرت شخصیت در پیش‌بینی شاخص‌های هشت‌گانه بهزیستی بیفزاید (ارزش‌های داخل جدول مربوط به مقادیر β است).

جدول ۳: ضرایب همبستگی سهمی جهت‌گیری‌های دینی با سایر متغیرهای پژوهش

متغیرها	دینداری درونی (با کنترل دینداری برونی)		دینداری برونی فردی و برونی اجتماعی		دینداری برونی اجتماعی (با کنترل دینداری درونی و برونی فردی)	
	لهستان	ایران	لهستان	ایران	لهستان	ایران
صداقت - فروتنی	۰/۲۲**	۰/۴۰**	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۱۵*	۰/۱۵*
تهییج‌پذیری	-۰/۰۱	-۰/۰۵	۰/۰۸	۰/۲۲**	-۰/۰۷	-۰/۰۷
برون‌گرایی	۰/۰۹	۰/۱۴*	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۴
توافق	۰/۰۳	۰/۱۸**	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۲
وظیفه‌شناسی	۰/۲۶**	۰/۱۰	۰/۰۳	۰/۱۷*	۰/۱۳	۰/۱۴*
تجربه‌پذیری	۰/۲۴**	۰/۲۳**	-۰/۱۱	-۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۱۲
رضایت از زندگی	۰/۱۰	۰/۱۴*	-۰/۰۲	۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۱۲
شادی	۰/۰۵	۰/۲۱**	-۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۶
استقلال عمل	-۰/۰۳	۰/۱۹**	۰/۰۱	-۰/۱۳*	۰/۰۸	۰/۱۲
تسلط بر محیط	۰/۱۸**	۰/۱۹**	-۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۱۴*	۰/۰۵
رشد شخصی	۰/۲۱**	۰/۲۸**	-۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۱۹**	۰/۲۶**
رابطه مثبت با دیگران	۰/۱۲	۰/۲۱**	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۱۴*	۰/۱۹**
زندگی هدفمند	۰/۲۳**	۰/۲۲**	۰/۱۱	۰/۰۴	۰/۲۲**	۰/۱۹**
پذیرش خود	۰/۱۹**	۰/۲۴**	۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۱۷**	۰/۰۹

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

1. partial correlation

جدول ۴: خلاصه تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی برای پیش‌بینی بهزیستی فاعلی و روان‌شناختی بر پایه شخصیت و دینداری

متغیرهای ملاک	شادی		رضایت از زندگی		استقلال عمل		تسلط بر محیط		رشد شخصی		رابطه مثبت با دیگران		زندگی هدفمند		پذیرش خود	
	لهستان	ایران	لهستان	ایران	لهستان	ایران	لهستان	ایران	لهستان	ایران	لهستان	ایران	لهستان	ایران	لهستان	ایران
صداقت - فروتنی	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۲۷**	۰/۰۴	۰/۱۲*	۰/۰۷	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۰۷
تهییج‌پذیری	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۱۲*	۰/۰۱	۰/۲۷**	۰/۰۵	۰/۱۲*	۰/۰۳	۰/۱۰	۰/۰۳	۰/۰۹
برون‌گرایی	۰/۶۰**	۰/۵۸**	۰/۳۴**	۰/۴۶**	۰/۲۸**	۰/۳۷**	۰/۴۲**	۰/۵۲**	۰/۳۱**	۰/۴۲**	۰/۵۱**	۰/۴۸**	۰/۲۵**	۰/۳۵**	۰/۵۳**	۰/۵۷**
توافق	۰/۱۵**	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۱۴*	۰/۱۰	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۲۳**	۰/۲۱**	۰/۱۲*	۰/۰۲	۰/۱۹**	۰/۱۰
وظیفه‌شناسی	۰/۰۲	۰/۱۵*	۰/۱۴*	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۴*	۰/۱۵**	۰/۱۹**	۰/۱۷**	۰/۱۷**	۰/۱۷**	۰/۰۶	۰/۳۸**	۰/۳۳**	۰/۱۱*	۰/۰۲
تجربه‌پذیری	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۱۳*	۰/۱۹**	۰/۱۹**	۰/۱۴*	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۲۱**	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۰۷
R ²	۰/۴۸**	۰/۳۶**	۰/۱۸**	۰/۳۲**	۰/۲۸**	۰/۳۳**	۰/۳۳**	۰/۴۶**	۰/۲۲**	۰/۳۸**	۰/۳۷**	۰/۴۱**	۰/۳۲**	۰/۳۴**	۰/۴۸**	۰/۴۲**
درونی	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۴	۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۱۳*	۰/۱۳*
برونی اجتماعی	۰/۱۰	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۱۲*	۰/۰۶	۰/۱۳*	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۱۵*	۰/۲۱**	۰/۱۲*	۰/۱۶**	۰/۱۵*	۰/۱۵*	۰/۱۳*	۰/۱۴*
برونی فردی	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۱۷*	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۴
R ²	۰/۵۰**	۰/۳۶**	۰/۱۸**	۰/۳۴**	۰/۲۸**	۰/۳۵**	۰/۳۴**	۰/۴۷**	۰/۲۶**	۰/۴۳**	۰/۴۰**	۰/۴۴**	۰/۳۵**	۰/۳۶**	۰/۵۰**	۰/۴۵**
ΔR ²	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۳*	۰/۰۱	۰/۰۳*	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۲*	۰/۰۵**	۰/۰۲*	۰/۰۳**	۰/۰۳*	۰/۰۲**	۰/۰۱*	۰/۰۲*

گام اول:
شخصیت

گام دوم:
دینداری

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$ *** $p < 0.001$ است.

بحث

مدل شش‌عاملی هگزاگو که در این مقاله معرفی و مطالعه شد، به منزله گامی رو به جلو و فراتر از مدل پنج‌عامل قلمداد می‌شود (لارسن و باس، ۲۰۰۸)؛ همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، سه عامل برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و تجربه‌پذیری در مدل هگزاگو به سه عامل متناظرشان در مدل پنج‌عامل بسیار شبیه‌اند (گرچه یکسان نیستند)؛ از این رو، انتظار بود که رابطه این سه عامل با متغیرهای دیگر، مشابه نتایج حاصل از مدل پنج‌عامل باشد، اما تهییج‌پذیری و توافق، تفاوت‌های آشکاری با پایداری هیجانی و توافق در مدل پنج‌عاملی دارند و به خاطر شباهت‌هایشان با آن دو عامل، انتظار بود که نتایج تا حدودی مشابه به دست دهند. نتایج پژوهش حاضر این انتظارات را تأیید کرد.

به‌طور کلی، همبسته‌های شخصیتی دینداری دو جنبه از کارکردهای دین را برجسته می‌کند: ۱. ارتقای ثبات شخصی و ۲. افزایش رفاه دیگران و هماهنگی اجتماعی (ساراگلو، ۲۰۱۰). نخستین کارکرد مربوط است به عامل وظیفه‌شناسی و کارکرد دوم با عامل‌های صداقت - فروتنی و توافق مرتبط است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در هر دو بافت مسلمان ایران و مسیحی لهستان، دینداری با دو عامل توافق و وظیفه‌شناسی رابطه مثبت دارد. نیز، عامل صداقت - فروتنی از نیرومندترین همبسته‌های شخصیتی دینداری بود. صداقت و فروتنی از فضیلت‌های مورد توجه دین هستند؛ اسلام و مسیحیت بر فروتنی و به‌ویژه بر صداقت تأکید می‌کنند؛ مثلاً در اخلاق اسلامی، صدق شریف‌ترین صفت پسندیده و رهبر فضایل خوانده شده است. آیات و روایات بی‌شماری در ستایش آن آمده است. فروتنی هم از فضایل مربوط به قوه غضبیه است که در دین گرامی داشته شده است (آقابابایی، ۱۳۹۱).

در پژوهش حاضر، برون‌گرایی نیرومندترین همبسته و پیش‌بینی‌کننده بهزیستی بود که فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند. نیز، در هر دو گروه ایرانی و لهستانی، تهییج‌پذیری با بهزیستی رابطه منفی داشت. تهییج‌پذیری (برخلاف پایداری هیجانی و روان‌رنجورخویی) هم مشتمل بر رویه‌هایی است که از نظر اجتماعی پسندیده‌اند (مانند: احساساتی بودن[□]) هم رویه‌هایی که پسند جامعه نیستند (مانند: اضطراب؛ اشتن و لی، ۲۰۰۷). بنابراین، گرچه رابطه این عامل با شاخص‌های بهزیستی منفی بود، توان این رابطه به اندازه نتایج حاصل از پایداری هیجانی از مدل پنج‌عاملی نیست. دینداری نیز رابطه مثبتی با بهزیستی داشت. رابطه دین با بهزیستی برای مردم و متخصصان سلامت روانی مهم است؛ مثلاً مردم همه فرهنگ‌ها، بهزیستی فاعلی را

مهم‌ترین عنصر زندگی‌شان گزارش می‌کنند و از همین‌روست که روان‌شناسان می‌کوشند تا عامل‌های پرورش سطوح بالاتر بهزیستی را شناسایی کنند (لوکاس و دونلان، ۲۰۰۷). در ایران نیز شادی به عنوان یک مسئله به رسمیت شناخته شده است. تأسیس شبکه ملی نسیم، در کنار دیگر تحولات سیمای جمهوری اسلامی ایران، اقدامی در پرداختن به همین مسئله است؛ به علاوه، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد شاد در ابعاد مختلف زندگی (همچون سلامت، ازدواج، دوستی، درآمد، تحصیل و کار) موفق‌ترند. این رابطه دوسویه است؛ یعنی موفقیت، شادی‌آفرین است و شادی، موفقیت به ارمغان می‌آورد (آرگایل، ۱۹۹۷؛ لیوبومرסקی، کینگ و دینر، ۲۰۰۵). یافته‌های پژوهش ضمن تأیید رابطه دینداری - بهزیستی، نشان داد که نوع دینداری در این رابطه نقش مهمی دارد. بیشتر پژوهش‌هایی که پارادایم جهت‌گیری دینی را به کار بسته‌اند، از پرداختن به سنخ‌های چهارگانه دینداری غفلت کرده‌اند. تکیه بر نمره‌های دو مقیاس جهت‌گیری دینی درونی و برونی تصویر ناتمامی از نوع دینداری افراد به دست می‌دهد؛ زیرا، گرچه به‌طور نظری این دو نوع جهت‌گیری در برابر هم انگاشته می‌شوند، عملاً بسیاری از مردم در هر دوی این مقیاس‌ها نمره مشابهی می‌گیرند. الگوی پاسخ‌دهی آزمودنی‌ها به دو مقیاس جهت‌گیری دینی درونی و برونی، منجر به ظهور چهار سنخ دینداری می‌شود: ۱. سنخ درونی: ۱. کسانی که در مقیاس درونی نمره بالایی می‌گیرند و در مقیاس برونی نمره پایینی می‌گیرند؛ ۲. متدین بدون تمایز: ۲. کسانی که در هر دو مقیاس نمره بالایی می‌گیرند؛ ۳. نامتدین یا ضد دین بدون تمایز: ۳. کسانی که در هر دو مقیاس نمره پایینی می‌گیرند؛ ۴. سنخ برونی: ۴. کسانی که در مقیاس درونی نمره پایینی می‌گیرند، اما در مقیاس برونی نمره بالا می‌گیرند (آپورت و راس، ۱۹۶۷). توجه به این سنخ‌های چهارگانه شاید بتواند برخی از یافته‌های متناقض در این زمینه را حل کند. به هر رو، در مواردی از این دست که میان دو یا چند سازه، اشتراک یا همپوشانی وجود دارد، همان‌گونه که فرنهام، ریچاردز، و پاولوس (۲۰۱۳، ص ۲۰۹) متذکر شده‌اند، «باید دست‌کم رگرسیون چندگانه یا همبستگی‌های سهمی گزارش شود». پژوهش حاضر با استفاده از همبستگی سهمی نشان داد که همان‌گونه که آپورت می‌گفت؛ انگیزه‌های متفاوت برای دینداری نقش متفاوتی در سلامت روانی دارند (آپورت و راس، ۱۹۶۷). در پژوهش پیش‌رو، رابطه دینداری درونی با شاخص‌های بهزیستی عموماً مثبت بود؛ در حالی که رابطه دینداری برونی فردی غیر معنادار و رابطه دینداری برونی اجتماعی منفی بود. این یافته‌ها

1. intrinsic type

2. indiscriminately pro-religious

3. indiscriminately anti-religious or non-religious

4. extrinsic type

گویای آن است که دینداری درونی سازگارانه‌ترین شکل دینداری است؛ در حالی که دینداری برونی اجتماعی ناسازگارانه‌ترین نوع دینداری است. این نتایج با نظریه آلپورت و مفهوم‌بندی‌های معاصر از نظریه او همخوان است. به گفته آلپورت فردی که دین را به عنوان یک هدف و مؤلفه اصلی هویت خود می‌بیند دارای جهت‌گیری درونی است. فردی که دین را به عنوان یک وسیله برای دستیابی به هدف‌های دیگر می‌بیند، جهت‌گیری برونی دارد. دینداری برونی به ایمان به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف‌های زندگی می‌نگرد. افراد واجد دینداری برونی غالباً قوم‌مدار و سودگرایند و دیگران را از منظر اقتصادی و اجتماعی خود می‌نگرند (آلپورت و راس، ۱۹۶۷؛ کوزک، ۱۹۹۹؛ هنینگسگارد و آرنو، ۲۰۰۸). به گفته آلپورت؛ انگیزش درونی دینی که تنها انگیزش درست دینی است، در افراد ثابت‌انگاشته می‌شود و پس از آسیب‌های مهم زندگی نیز پایدار می‌ماند. طبق الگوی آلپورت، بُعد درونی باید (بهتر) پیش‌بینی کند که افراد طبق باورها و ارزش‌های دینی‌شان عمل خواهند کرد یا نه. با توجه به تأکید دین به صداقت و فروتنی، و نیز با توجه به نظریه جهت‌گیری دینی، بالاتر بودن نمره صداقت - فروتنی در افراد دارای دینداری درونی، نظریه آلپورت را تأیید می‌کند؛ چنین یافته‌ای به منزله اعتبار سازه^۱ برای مدل هگزاکو و عامل صداقت - فروتنی است.

پژوهش حاضر، مدل هگزاکو از ساختار شخصیت را معرفی کرد و کارایی آن را در پیش‌بینی تفاوت‌های فردی در دینداری و بهزیستی نشان داد. به علت امتیازهای این مدل شخصیتی، به پژوهشگران توصیه می‌شود تا استفاده از آن را به جای مدل پنج‌عاملی مد نظر قرار دهند. گرچه شواهدی از دو فرهنگ کاملاً متفاوت ارائه شد؛ اما، دانشجو بودن نمونه، غیر تصادفی بودن نمونه‌گیری، و نابرابر بودن سهم دو جنس از محدودیت‌های پژوهش‌اند. شایسته است در پژوهش‌های آینده نقش جنس مطالعه شود، و جامعه‌های دیگری مانند جامعه عمومی بررسی شود. همچنین، واریسی متغیرهایی که بتوانند در رابطه دینداری - بهزیستی نقش میانجی داشته باشند، گامی رو به جلو در جهت تدوین مدلی برای اثربخشی دین در سلامت و بهزیستی فرد و جامعه خواهد بود.

منابع

- آقابابایی، ن. (۱۳۹۱)، «رابطه صداقت و فروتنی با شخصیت، دین، و بهزیستی فاعلی»، روان‌شناسی و دین، ۱۹، ص ۲۵-۴۰.
- آقابابایی، ن.؛ ح. فراهانی؛ ع. رحیمی‌نژاد و ع. فاضلی مهرآبادی (۱۳۸۸)، «معنویت و احساس شخصی روان‌درستی در دانشجویان و طلاب»، مجله علوم روان‌شناختی، ش ۳۱، ص ۳۶۰-۳۷۲.
- بیانی، ع. ا.؛ ع. م. کوچکی و ع. بیانی (۱۳۸۷)، «روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف»، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، س ۱۴، ش ۲، ص ۱۴۶-۱۵۱.
- بیانی، ع. ا.؛ ع. م. کوچکی و ح. گودرزی (۱۳۸۶)، «اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی»، روان‌شناسان ایرانی، س ۳، ش ۱۱، ص ۲۵۹-۲۶۵.
- Aghababaei, N. & A. Arji (2014), "Well-Being and the Hexaco Model of Personality", *Personality and Individual Differences*, 56(1): 139-142.
- Aghababaei, N. & A. Błachnio (2014), Purpose in Life Mediates the Relationship Between Religiosity and Happiness: Evidence from Poland", *Mental Health, Religion & Culture*, 17(8): 827-831.
- Aghababaei, N. (2012), Religious, Honest and Humble: Looking for the Religious Person Within the Hexaco Model of Personality Structure", *Personality and Individual Differences*, 53(7): 880-883.
- Aghababaei, N. (2013), "Between You and God, Where is the General Factor of Personality? Exploring Personality-Religion Relationships in a Muslim Context", *Personality and Individual Differences*, 55(2): 196-198.
- Aghababaei, N. (2014), "God, The Good Life, and Hexaco: The Relations Among Religion, Subjective Well-Being and Personality", *Mental Health, Religion & Culture*, 17(3): 284-290.
- Allport, G. W. & H. S. Odbert (1936), "Trait-Names: A Psycho-Lexical Study", *Psychological Monographs*, 47(211): 1-171.

- Allport, G. W. & M. Ross (1967), "Personal Religious Orientation and Prejudice", *Journal of Personality and Social Psychology* 5, pp.432-443.
- Argyle, M. (1997), "Is Happiness a Cause of Health?", *Psychology and Health* 12, pp.769-781.
- Ashton, M. C. & K. Lee (2001), "A Theoretical Basis for the Major Dimensions of Personality", *European Journal of Personality* 15, pp.327-353.
- Ashton, M. C. & K. Lee (2005), "A Defence of the Lexical Approach to the Study of Personality Structure", *European Journal of Personality* 19, pp.5-24.
- Ashton, M. C. & K. Lee (2007), "Empirical, Theoretical, and Practical Advantages of the Hexaco Model of Personality Structure", *Personality and Social Psychology Review*, 11(2): 150-166.
- Ashton, M. C. & K. Lee (2008), "The Prediction of Honesty-Humility-Related Criteria by the Hexaco and Five-Factor Models of Personality", *Journal of Research in Personality* 42, pp.1216-1228.
- Ashton, M. C. & K. Lee (2009), "The Hexaco-60: A Short Measure of the Major Dimensions of Personality", *Journal of Personality Assessment*, 91(4): 340-345.
- Barrie, A. (2012), *Personality, Religion and Character Traits: Are Personality Traits Better Predictors of Happiness than Religiosity?*, Unpublished BA Dissertation, Dublin Business School.
- Borkenau, P. (1988), "The Multiple Classification of Acts and the Big Five Factors of Personality", *Journal of Research in Personality* 22, pp.337-352.
- Botwin, M. D. & D. M. Buss (1989), "Structure of Act-Report Data: Is the Five-Factor Model of Personality Recaptured?", *Journal of Personality and Social Psychology*, 56(6): 988-1001.
- Brown, P. H. & B. Tierney (2009), "Religion and Subjective Well-Being Among the Elderly in China", *The Journal of Socio-Economics* 38, pp.310-319.
- Chirumbolo, A. & L. Leone (2010), "Personality and Politics: The Role of the Hexaco Model of Personality in Predicting Ideology and Voting", *Personality and Individual Differences* 49, pp.43-48.

- Costa, P. T., Jr.; R. R. McCrae & D. A. Dye (1991), "Facet Scales for Agreeableness and Conscientiousness: A Revision of Neo Personality Inventory", *Personality and Individual Differences*, 12(9): 887-898.
- Dezutter, J.; B. Soenens & D. Hutsebaut (2006), "Religiosity and Mental Health: A Further Exploration of the Relative Importance of Religious Behaviors vs, Religious Attitudes", *Personality and Individual Differences* 40, pp.807-818.
- Diener, E.; R. A. Emmons; R. J. Larsen & S. Griffin (1985), "The Satisfaction with Life Scale", *Journal of Personality Assessment*, 49(1): 71-75.
- Francis, L. J. & D. Lester (1997), "Religion, Personality and Happiness", *Journal of Contemporary Religion*, 12(1): 81-86.
- Francis, L. J.; A. Elken & M. Robbins (2012), "The Affective Dimension of Religion and Personal Happiness Among Students in Estonia", *Journal of Research on Christian Education*, 21(1): 84-90.
- Francis, L. J.; H. Ziebertz & C. A. Lewis (2003), "The Relationship Between Religion and Happiness Among German Students", *Pastoral Psychology*, 51(4): 273-281.
- Furnham, A.; S. C. Richards & D. L. Paulhus (2013), "The Dark Triad of Personality: A 10 Year Review", *Social and Personality Psychology Compass*, 7(3): 199-216.
- Ghorbani, N.; P. J. Watson; A. F. Gharamaleki; R. J. Morris & R. W. Hood (2002), Muslim-Christian Religious Orientation Scales: Distinctions, Correlations, and Cross-Cultural Analysis in Iran and the United States", *The International Journal for the Psychology of Religion*, 12(2): 69-91.
- Goldberg, L. R. (1992), "The Development of Markers for the Big-Five Factor Structure". *Psychological Assessment* 4, pp.26-42.
- Goldberg, L. R. (1995), "What the Hell Took so Long? Donald Fiske and the Big-Five Factor Structure, *Personality Research, Methods, and Theory: A Festschrift Honoring Donald W. Fiske*, P. E. Shrout & S. T. Fiske (eds.) (pp.29-43), Hillsdale, NJ: Erlbaum.

- Hefferon, K. & I. Boniwell (2011), *Positive Psychology: Theory, Research and Application*, UK: McGraw-Hill.
- Henningsgaard, J. M. & R. C. Arnau (2008), "Relationships Between Religiosity, Spirituality, and Personality: A Multivariate Analysis", *Personality and Individual Differences* 45, pp.703-708.
- Hill, P. C. (1999), "Religious Orientation Scale-Revised", *Measures of Religiosity*, P. C. Hill & R. W. Hood, Jr. (eds.) (Gorsuch & McPherson, 1989) (pp.154-156), Birmingham: Religious Education Press.
- Hills, P. & M. Argyle (1998), "Musical and Religious Experiences and their Relationship Happiness", *Personality and Individual Differences* 25, pp.91-102.
- Holder, M. D.; B. Coleman & J. M. Wallace (2010), "Spirituality, Religiousness, and Happiness in Children Aged 8-12 Years", *Journal of Happiness Studies* 11, pp.131-150.
- John, O. P.; L. P. Naumann & C. J. Soto (2008), "Paradigm Shift to the Integrative Big Five Trait Taxonomy: History, Measurement, and Conceptual Issues", *Handbook of Personality: Theory and Research*, O. P. John; R. W. Robins & L. A. Pervin (eds.) (3rd ed., pp.634-653), New York: The Guilford Press.
- Kashdan, T. B. (2004), "The Assessment of Subjective Well-Being (Issues Raised by the Oxford Happiness Questionnaire)", *Personality and Individual Differences* 36, pp.1225-1232.
- Kosek, R. B. (1999), "Adaptation of the Big Five as a Hermeneutic Instrument for Religious Constructs", *Personality and Individual Differences* 16, pp.118-126.
- Larsen, R. J. & D. M. Buss (2008), *Personality Psychology: Domains of Knowledge about Human Nature* (3rd ed.), New York: McGraw-Hill.
- Lee, K. & M. C. Ashton (2004), "Psychometric Properties of the Hexaco Personality Inventory", *Multivariate Behavioral Research*, 39(2): 329-358.
- Lee, K. & M. C. Ashton (2008), The Hexaco Personality Factors in the Indigenous Personality Lexicons of English and 11 Other Languages, *Journal of Personality*, 76(5): 1001-1053.

- Lee, K.; B. Ogunfowora & M. C. Ashton (2005), "Personality Traits Beyond the Big Five: Are they Within the Hexaco Space?", *Journal of Personality*, 73(5): 1437-1463.
- Lee, K.; M. C. Ashton & R. E. De Vries (2005), "Predicting Workplace Delinquency and Integrity with the Hexaco and Five-Factor Models of Personality Structure", *Human Performance*, 18(2): 179-197.
- Lewis, C. A. (2002), "Church Attendance and Happiness Among Northern Irish Undergraduate Students: No Association", *Pastoral Psychology*, 50(3): 191-195.
- Lewis, C. A.; J. Maltby & S. Burkinshaw (2000), "Religion and Happiness: Still no Association", *Journal of Beliefs & Values*, 21(2): 233-236.
- Lucas, R. E. & M. B. Donnellan (2007), How Stable is Happiness? Using the Starts Model to Estimate the Stability of Life Satisfaction", *Journal of Research in Personality* 41, 1091-1098.
- Lyubomirsky, S. & H. S. Lepper (1999), "A Measure of Subjective Happiness: Preliminary Reliability and Construct Validation", *Social Indicators Research*, 46(2): 137-156.
- Lyubomirsky, S., L. King & E. Diener (2005), "The Benefits of Frequent Positive Affect: Does Happiness Lead to Success?", *Psychological Bulletin*, 131(6): 803-855.
- Paunonen, S. V. & D. N. Jackson (2000), "What is Beyond the Big Five? Plenty!", *Journal of Personality*, 68(5): 821-835.
- Peabody, D. & L. R. Goldberg (1989), "Some Determinants of Factor Structures from Personality-Trait Descriptors", *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(3): 552-567.
- Robbins, M.; L. J. Francis & B. Edwards (2008), "Prayer, Personality and Happiness: A Study Among Undergraduate Students in Wales", *Mental Health, Religion & Culture*, 11(1): 93-99.
- Ryff, C. D. (1989), "Happiness is Everything, or is it? Explorations on the Meaning of Psychological Well-Being", *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(6): 1069-1081.

- Salsman, J. M.; T. L. Brown; E. H. Brechting & C. R. Carlson (2005), "The Link Between Religion and Spirituality and Psychological Adjustment: The Mediating Role of Optimism and Social Support", *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(40), 522-535.
- Saroglou, V. (2010), "Religiousness as a Cultural Adaptation of Basic Traits: A Five-Factor Model Perspective", *Personality and Social Psychology Review*, 14(1): 108-125.
- Saucier, G. & L. R. Goldberg (1996), "Evidence for the Big Five in Analyses of Familiar English Personality Adjectives", *European Journal of Personality* 10, pp.61-77.
- Sillick, W. J. & S. Cathcart (2014), "The Relationship Between Religious Orientation and Happiness: The Mediating role of Purpose in Life", *Mental Health, Religion & Culture*, 17(5): 494-507.
- Snoep, L. (2008), "Religiousness and Happiness in Three Nations: A Research Note", *Journal of Happiness Studies* 9, pp.207-211.
- Steel, P.; J. Schmidt & J. Shultz (2008), "Refining the Relationship Between Personality and Subjective Well-Being", *Psychological Bulletin*, 34(1): 138-161.
- Tupes, E. C. & R. C. Christal (1961), *Recurrent Personality Factors Based on Trait Ratings*, USAF ASD Technical Report, no.61-97, U. S. Air Force, Lackland Air Force Base, TX.
- Veselka, L.; J. A. Schermer & P. A. Vernon (2012), "The Dark Triad and an Expanded Framework of Personality", *Personality and Individual Differences* 53, pp.417-425.